



عراقچی پس از گفت و گوی روز گذشته با هیأت آمریکایی

از تعیین چهارچوب کلی توافق در شنبه آینده خبر داد

سازنده و محترمانه

سیاست خارجی

گروه دیپلماسی

روز گذشته در فضای پررمز و راز مسقط، پایتخت همیشۀ میانجی عمان، اولین دور از گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا به پایان رسید؛ گفت‌وگوهایی که اگرچه چهره به چهره نبود اما نفس‌های دیپلماسی را دوباره در کالبد روابط پرتنش دو کشور دمید. آنطور که سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران پس از پایان نشست خبرساز «مسقط» روایت کرد، در این گفت‌وگوی غیرمستقیم که دو ساعت و نیم به درازا انجامید، وزیر خارجه عمان نقش پیک صلح را بازی می‌کرد، چهار بار در رفت و آمد میان اتاق‌ها، حامل پیام‌های مکتوب دو طرف بود. قرار شد میدان مذاکره شنبه آینده از سرگرفته شود؛ جایی که به گفته وزیر امور خارجه، طرفین برای اولین بار وارد ترسیم چهارچوب‌های کلی یک توافق ممکن می‌شوند. بنا بر پیراینه منتشرشده از سوی وزارت امور خارجه ایران، هر دو طرف در فضایی مثبت و سازنده مواضع خود را با زبانی مبتنی بر احترام مقابل به گوش یکدیگر

رساندند و درباره موضوعات کلیدی همچون برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و رفع تحریم‌ها با یکدیگر گفت‌وگو کردند. در پایان این ماراتن دیپلماتیک دو و نیم ساعته، لحظۀای کوتاه اما مهم رقم خورد؛ رؤسای هیأت‌های ایران و آمریکا با حضور وزیر خارجه عمان دقایقی چهره به چهره با هم صحبت کردند. قرار گذاشته شد مذاکرات هفته آینده ادامه یابد تا چشم‌ها همچنان به «مسقط» خیره بماند.

بازنویسی معادله پیچیده
«مسقط» جایی که پیش‌تر هم میزبان گفت‌وگوهای پنهانی و آشکار میان ایران و آمریکا بوده، روز گذشته بار دیگر در کانون یک ماجرای بزرگ قرار گرفت؛ گفت‌وگوهایی با بازیگرانی خاص؛ سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران در یک‌سو و «استیو ویتکاف»، فرستاده ویژه «دونالد ترامپ» در سوی دیگر؛ چهره‌ای ناشناخته اما مهم که در حلقه شخصی رئیس‌جمهوری آمریکا قرار دارد. اما پیش از آغاز گفت‌وگوها، تهران بر غیرمستقیم بودن مذاکرات تأکید کرد. دلیل آن ساده بود: بی‌اعتمادی. هیأت ایرانی با خاطره تلخ خروج آمریکا از برجام، با در میدان مذاکره گذاشت و به دنبال نشانه‌هایی واقعی از نیت دولت ترامپ بود. عراقچی در بدو ورودش به عمان اعلام کرده بود که اگر اراده کافی در طرف مقابل دیده شود، می‌توان درباره جدول زمانی گفت‌وگوها به توافق رسید.

مذاکرات روز گذشته در حالی شروع شد که ایران موفق شد معادله‌ای پیچیده را به نفع خود بازنویسی کند. قرار شد موضوع گفت‌وگوهای غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن با فشاری ایران در چهارچوبی مشخص یعنی فقط پرونده هسته‌ای نه بیشتر قرار گیرد. طرف آمریکایی امیدوار بود پای مسائل فرابرجامی همچون توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران را به میز مذاکره باز کند اما هیأت ایرانی خط قرمز روشنی کشید و مذاکره خارج از موضوع هسته‌ای را قاطعانه رد کرد. این موضع‌گیری صریح ایران، ابتدا سایه‌ای از تردید بر سر حضور ویتکاف در مسقط انداخت اما نهایتاً این آمریکایی‌ها بودند که عقب‌نشینی کردند چه در انتخاب موضوع و چه در پذیرش فرمت غیرمستقیم مذاکرات.

حرف ایران به کرسی نشست
در مسیر اجرای چنین شکلی از مذاکرات بود که اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه از آغاز رایزنی‌های حساس اما محتاطانه در ساعات اولیه میان عراقچی و «ویتکاف» با وساطت «یدرالوسعیدی» خبر داد. نمایندگان ایران و آمریکا هر یک در سالن‌های مجزا مستقر شده بودند اما ارتباط آنها از طریق دیپلماسی فعال وزیر خارجه عمان برقرار شد؛ انتقال مواضع، تبادل نقطه نظرات و سنجش فضای گفت‌وگو اما بدون یک تماس مستقیم.

وزیر خارجه عمان در دیدار صبح گذشته با عراقچی تأکید کرده بود که گفت‌وگوهایی مشابه با طرف آمریکایی نیز انجام خواهد داد. هدف؟ فراهم آوردن زمینه‌ای مناسب برای مذاکرات حساس ایران و هیأت آمریکایی. هیأت مذاکراتی ایران را عراقچی در قامت رئیس هیأت مذاکره‌کننده و معاونانش مجید تخت‌روانچی، کاظم غریب‌آبادی و اسماعیل بقایی تشکیل می‌داد. با انتخاب عمان به عنوان کانال ارتباطی رسمی، تهران پیامی روشن فرستاد: واسطه را ما انتخاب می‌کنیم. میز گفت‌وگو باید روی پایه اعتماد چیده شود. این تصمیم، در ظاهر یک حرکت ساده دیپلماتیک بود اما در دل خود یک بازی بزرگ را شکل داد؛ جایی که اسارات با وجود نزدیکی‌اش به آمریکا و تلاشش برای ایفای نقش میانجی، از سوی تهران کنار رفت و عمان با آن سابقه درخشان در میزبانی مذاکرات محرمانه ۲۰۱۳، دوباره به صحنه بازگشت. منابع آگاه می‌گویند: نامه ترامپ حاوی پیشنهادی برای آغاز مذاکرات مستقیم با تهران بود. ایران اما نه‌تنها پاسخ خود را به شکل غیرمستقیم ارسال کرد، بلکه عملاً چهارچوب مذاکرات را به نفع خود تعیین کرد: نه در خاک کشور ثالث پیشنهادی آمریکا بلکه در مسقط؛ نه در مذاکره مستقیم، بلکه با فرمول «ارتباط غیرمستقیم تا زمان احیای اعتماد». بنابراین آنچه پیش از آغاز نشست روز گذشته روشن شد، این بود: حرف ایران به کرسی نشست. در این آوردگاه دیپلماسی، تهران نشان داد که همچنان توان تعیین زمین بازی را دارد. اکنون همه چیز به این بستگی دارد که درون این چهارچوب محدود، چه امتیازاتی قابل دریافت یا واگذاری خواهد بود. اما یک چیز روشن است: مسقط آغاز یک چانه‌زنی پیچیده در سایه استراتژی هوشمندانه تهران است.

چه ایران از همان ابتدا موضعی محتاط و حساسگرانه اتخاذ کرد. عراقچی در بدو ورودش به عمان در اظهاراتی علنی تصریح کرده بود که تهران زیر بار دیپلماسی تحمیلی نخواهد رفت. جمله معروف او که «توب در زمین واشنگتن است»، نشان می‌داد ایران حاضر به گفت‌وگو هست اما نه از موضع ضعف و نه بدون نشان دادن اراده جدی طرف مقابل.

از قلب بازار املاک به قلب مذاکرات هسته‌ای
ریاست هیأت آمریکایی را «استیو ویتکاف» برعهده داشت؛ به عنوان انتخابی غیرمنتظره از سوی ترامپ که نه از درون وزارت خارجه آمریکا، بلکه از قلب بازار املاک نیویورک به قلب مذاکرات هسته‌ای پرتاب شده است. انتخاب او پیامی روشن دارد: دولت ترامپ، این بار به دنبال بازیگران کلاسیک نیست، بلکه می‌خواهد دیپلماسی را با زبان معامله تعریف کند. «ویتکاف» از نزدیک‌ترین چهره‌ها به رئیس‌جمهوری آمریکا محسوب می‌شود و همین نزدیکی، به ایران اجازه می‌دهد تا صدای خود را بی‌واسطه‌تر به گوش کاخ سفید برساند؛ بی‌آنکه از فیلترهایی چون سناتورهای تندرو یا وزرای جنگ‌طلب عبور کند. در هفته‌های اخیر، ویتکاف سیگنال‌هایی صریح و ضمنی فرستاده که حاکی از موضعی میانه‌رو در قبال ایران است. واکنش ملایم و مثبت او به توثیق عراقچی، همه اینها حاکی از آن است که شاید در چهره این تاجر نیویورکی، بتوان دیپلماتی دید که می‌خواهد به جای تنش، مسیر گفت‌وگو را هموار کند. اما مسأله به همین سادگی نیست. هرچند نفس انتخاب «ویتکاف» می‌تواند نشانه‌ای از یک تغییر راهبردی در واشنگتن و عبور از نگاه امنیتی به ایران و رجوع به منطق اقتصاد باشد اما پیداست که او با نگاهی صرفاً معامله‌گرانه وارد اتاق مذاکره با ایران شده است؛ گویی به نفع اعتقاد او همه چیز را می‌توان با بده‌بستان‌های دقیق و حساب‌شده یا قراردادهای اقتصادی حل و فصل کرد. اما در سوی دیگر این معادله، ایرانی‌ایستاده با تجربه‌ای انباشته از دهه‌ها چالش، تحریم، مقاومت و دیپلماسی چندلایه، تهران خوب می‌داند که سیاست خارجی، آن هم در زمینه‌ای به حساسی برنامه هسته‌ای، بازی صفر و یک یا سود و زیان فوری نیست.

اینجا میدان مین دیپلماسی است؛ جایی که هر اوزه، هر توافق و هر امتیاز تاریخی از بی‌اعتمادی و بده‌بستان‌های فرسایشی را در دل خود دارد. مذاکرات هسته‌ای نه معادله‌ای ساده بلکه بازی پیچیده و چندبعدی است که مجموعه‌ای از مفاهیم اصولی و بنیادی چون امنیت، استقلال و هویت ملی را دربرگرفته است. اینجا بازار نیست؛ میدان استراتژی است و در دل این میدان، حالا سؤال این است: آیا نگاه معامله‌گرانه‌ای می‌تواند در برابر منطق پیچیده سیاست قد علم کند؟ پاسخ این معما جایی در پشت درهای بسته مذاکرات، به تدریج و بی صدا شکل خواهد گرفت.

عراقچی در پایان نخستین دور مذاکره با «ویتکاف» در «مسقط»:

نشست با هیأت آمریکایی سازنده، آرام و بسیار محترمانه بود

هیأت آمریکایی تلاش زیادی کرد تا اراده خود را برای رسیدن به توافق مناسب و عادلانه نشان دهد

گرفته نشد و طرفین تعهد خودشان را برای پیشبرد این گفت‌وگوها تا رسیدن به توافقی که مطلوب دو طرف باشد و از موضع برابر صورت بگیرد، نشان دادند. «عراقچی درباره زمان مشخص شده برای برگزاری دور دوم مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و ایالات متحده گفت: «قرار ما بر این شد که هفته آینده و شنبه مجدداً دور دوم برگزار شود و در جلسه بعدی وارد چهارچوب کلی که یک توافق می‌تواند داشته باشد، بشویم و ببینیم تا کجا این پروسه را می‌توانیم جلو ببریم.» رئیس دستگاه دیپلماسی ادامه داد: «مسئلاً نه ما و نه طرف مقابل خواهان یک مذاکره بی‌حاصل، گفت‌وگو برای گفت‌وگو، اتلاف وقت و مذاکرات فرسایشی اصلاً نیستیم. هر دو طرف و طرف آمریکایی گفتند که آنها هم مطلوب‌شان توافقی است که در کوتاه‌ترین زمان به دست بیاید. ولی این

احتمال برگزاری دور دوم مذاکرات در کشوری متفاوت از عمان

رئیس دستگاه دیپلماسی از برگزاری دور دوم مذاکرات در روز شنبه آینده خبر داد و گفت: «قرار است شنبه آینده نیز در همین سطح گفت‌وگوها برگزار شود و محل آن احتمالاً اینجا خواهد بود.

گرفته نشد و طرفین تعهد خودشان را برای پیشبرد این گفت‌وگوها تا رسیدن به توافقی که مطلوب دو طرف باشد و از موضع برابر صورت بگیرد، نشان دادند. «عراقچی درباره زمان مشخص شده برای برگزاری دور دوم مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و ایالات متحده گفت: «قرار ما بر این شد که هفته آینده و شنبه مجدداً دور دوم برگزار شود و در جلسه بعدی وارد چهارچوب کلی که یک توافق می‌تواند داشته باشد، بشویم و ببینیم تا کجا این پروسه را می‌توانیم جلو ببریم.» رئیس دستگاه دیپلماسی ادامه داد: «مسئلاً نه ما و نه طرف مقابل خواهان یک مذاکره بی‌حاصل، گفت‌وگو برای گفت‌وگو، اتلاف وقت و مذاکرات فرسایشی اصلاً نیستیم. هر دو طرف و طرف آمریکایی گفتند که آنها هم مطلوب‌شان توافقی است که در کوتاه‌ترین زمان به دست بیاید. ولی این

وزیر امور خارجه در پایان اولین دور مذاکره با هیأت آمریکایی از فضای سازنده حاکم بر این گفت‌وگوها خبر داد. سیدعباس عراقچی پس از پایان دور نخست گفت‌وگوهای غیرمستقیم با «استیو ویتکاف» فرستاده ویژه رئیس‌جمهوری آمریکا، در گفت‌وگوی تلویزیونی از مسقط گفت: «ما حدود دو ساعت و نیم گفت‌وگوهای غیرمستقیم داشتیم به همت و زحمات آقای بوسعیدی، وزیر خارجه عمان که بین هیأت‌ها در حال رفت و آمد بود و فکرمی‌کنم حدود ۴ بار این رفت و آمد انجام شد، دیدگاه‌های طرفین به یکدیگر منتقل شد.»

وزیر خارجه با اشاره به اینکه این جلسه به عنوان جلسه اول، جلسه سازنده‌ای بود و در یک محیط آرام و بسیار محترمانه انجام شد، افزود: «هیچ زبان غیرمناسبی به کار

برش



مذاکره موضوعی: ایده کارآمدی برای ورود به حل مسأله

ممکن برای شکل‌دهی به مذاکرات است. این روش می‌تواند کار مذاکره را برای دو طرف تسهیل کند. در این بین باید توجه داشت که اگر محدود شدن مذاکرات به موضوع هسته‌ای به معنای لغو یا تعلیق حداقلی تحریم‌های آمریکا علیه ایران باشد، ممکن است نتایج چنین توافقی در شرایط فعلی فراتر از برجام برای ایران نباشد. یعنی ممکن است آن توافق نتایجی فراتر از برجام را برای ایران در برداشته باشد و حتی شاید منجر به عقیم ماندن و به نوعی خنثی شدن نتایج مذاکرات هسته‌ای شود. به عبارت دیگر، مطلوب ایران این است که شفافیت و نظارت بر برنامه هسته‌ای خود را بپذیرد و در مقابل، تحریم‌های ثانویه و اولیه آمریکا لغو شود. سؤال مهم این است که آیا این بده‌بستان از نظر طرف مقابل مذاکره، یعنی آمریکا، نیز یک بده‌بستان متوازن و مطلوب است یا نیست؟ به این به هر حال سؤال مهم است. در مجموع می‌توان گفت که مذاکرات مسقط در صورتی موفقیت‌آمیز است که تنش موجود در روابط ایران و آمریکا را کاهش دهد، بی‌اعتمادی کامل میان دو طرف را کاهش دهد، زمینه مذاکرات مستقیم و جدی را فراهم کند و با هماهنگی با سایر قدرت‌های بین‌المللی مثل چین، روسیه و اروپا، عناصر اولیه یک توافق جامع را بین ایران و آمریکا فراهم کند تا در ادامه بتوان با جزئیات بیشتری وارد مذاکرات شد.

هر مذاکره به خودی خود دو بعد دارد؛ یک بعد فرم و یک بعد محتوا، هر دو بعد دارای اهمیت هستند، اما آنچه تعیین‌کننده است، بعد محتوایی مذاکرات است. این را می‌توانیم با یک قیاس توضیح دهیم. ابعاد شکلی مذاکره مانند آدم‌گ‌های پیش از مسابقه تیم‌های ورزشی است، در حالی که ابعاد محتوایی مانند ابزارها و توانمندی‌هایی است که حین مسابقه از آنها استفاده می‌کنند. بنابراین، ممکن است تیم‌ها آدم‌گ‌های و مقدمه‌چینی‌های زیادی داشته باشند، اما از ابزارها و تکنیک‌های لازم برای فاتح آمدن بر حریف برخوردار نباشند. تا این مرحله، آدم‌گ‌ها و زمینه‌سازی‌های پیش از مذاکره در ایران نشان‌دهنده تأثیرگذاری و جدیت دولت و مجموعه حاکمیت در مواجهه عقلانی با موضوعات سیاست خارجی، از جمله روابط با آمریکا و موضوع هسته‌ای بوده است. توجه به این موضوع نیز مهم است که از لحاظ فنی این ایده که مسائل مختلف بین ایران و آمریکا به شکل موضوعی و جداگانه مورد مذاکره قرار گیرد ایده کارآمدی است و به نوعی بهترین راه



استاد روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

یادداشت شفاهی

واقع گرایی ایران و آمریکا منجر به مذاکرات غیرمستقیم شد

که طرفین هم برای جنگ و هم مذاکره به شکل جدی آمادگی دارند. در این بین ابتکار ایران در مجاب کردن طرف مقابل به برگزاری مذاکرات به صورت غیرمستقیم را می‌توان به منزله کارت بازی ایران و فرصت‌سازی تهران درنظر گرفت که واشنگتن نیز با پذیرفتن آن نشان داد که از این فرصت ارزشمند استفاده خواهد کرد؛ با اینکه این امر باعث شده تا تیم ایرانی با موضع بهتری وارد مذاکره شود. علاوه بر این، نگرش درست ایران به فرآیند مذاکرات از زمان آغاز ریاست جمهوری ترامپ هم نشان داد راه‌برد ایران موفقیت‌آمیز بوده است. چرا که نیت شخصیتی ترامپ مذاکره با طرف قدرتمند را محترم می‌شمارد و تجربه دنیا نشان داده که او در برابر کشورهایی که مقابل آمریکا اعلام ضعف کنند، هرقادامی برای خرد کردن آن به کار خواهد بست. در کنار این موارد، تمرکز بر موضوع هسته‌ای در مذاکره از جمله پارامترهایی است که فرصت رسیدن به نتیجه را بالا می‌برد. این امر نشان‌دهنده عملکردی آمریکایی در برابر خواست ایران است. به عبارت دیگر توجه آمریکا به موضع ایران سبب شد تا آنها ایده مذاکره جامع و بحث پیرامون موارد فراهسته‌ای را مطرح نکنند. در مجموع چنانچه آمریکایی‌ها در عمل به وعده‌هایشان جدی باشند، به نظر این فرصت فراهم می‌شود که مذاکرات به نتیجه برسد. طبعاً در طریر ایرانی هم این آمادگی وجود دارد که در چهارچوب منافع ملی، به مذاکرات ادامه دهد.



بهزاد احمدی استاد مطالعات آمریکا در دانشگاه تهران

یادداشت شفاهی

مذاکرات غیرمستقیم روز گذشته میان ایران و آمریکا را می‌توان حاصل واقع‌گرایی دو طرف دانست. در یک‌سو آمریکایی‌ها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که بدون ایران، تحولات در خاورمیانه به نتیجه نمی‌رسد. این به رسمیت شناختن قدرت ایران در منطقه است و نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها نیاز دارند برای حل‌وفصل مسائل در خاورمیانه، ابتدا موضوعات خود را با ایران حل‌وفصل کنند. از طرف ایران نیز برخورداری از این دیدگاه واقع‌گرایانه که در محیطی که اسرائیل این مجوز را دارد که بی‌پروا دست به هرگونه ماجراجویی بزند، دیپلماسی کم‌هزینه‌ترین گزینه برای تأمین منافع ملی است و سبب شد تا از ظرفیت مذاکره استفاده شود. واقعگرایی طرفین پیش از این در صف‌آرایی نظامی در منطقه به عینیت رسید، جایی که جمهوری اسلامی ایران در برابر اقدامات تحریک‌آمیز آمریکا برای افزایش نیروی نظامی در منطقه، آمادگی نیروهای مسلح خود را نشان داد. در ادامه این روند و در فرآیند بعد از تنش، اقدام دو طرف برای ورود به مذاکره در مرحله اول در بالاترین سطح حاکم از جدیت طرفین برای حل‌وفصل مسائل است. به عبارت دیگر مجموع رفتار دو طرف حاکی از برخورد منطقی از شرایط و قدرت بازآرندگی است